

Subject: From Military Pressure to Constitutional Resolution

April 17, 2026

Mr. President,

Recent developments have once again demonstrated that military pressure, while impactful in the short term, does not by itself produce a durable resolution to the Iranian question. Military action can alter realities on the ground—but it does not resolve the question of legitimacy. That question, in the case of Iran, is rooted in its constitutional structure.

For 47 years, the Iranian people have demonstrated both resilience and clarity in their demands. Their call has been consistent: not for external intervention, nor for imposed leadership, but for the opportunity to determine their future through the formation of a Constituent Assembly.

Absent this constitutional pathway, any gains achieved through pressure—military or otherwise—remain inherently temporary. Stability imposed from the outside cannot endure without legitimacy generated from within.

The present moment therefore offers a strategic choice: to continue managing cycles of escalation, or to help redirect the trajectory toward a more durable resolution. By recognizing and articulating support for a constitutional pathway—specifically, the formation of a Constituent Assembly—the focus can shift from confrontation to a process grounded in legitimacy and self-determination.

Such a shift would not require additional military engagement. Rather, it would align American policy with a principle that has long defined its global posture: that enduring stability arises from the consent of the governed.

Our continued daily communications aim to reinforce this distinction: between what can be achieved through pressure, and what can only be resolved through constitutional legitimacy—a transition from conflict to constitutional process, from uncertainty to structure, and from imposed outcomes to nationally derived legitimacy.

At decisive moments, leadership is defined not only by strength, but by the ability to recognize where lasting solutions truly lie.

Respectfully,

Sohrab ChamanAra

www.CyrusForce.org

تحولات اخیر بار دیگر نشان داده است که فشار نظامی، هرچند در کوتاه مدت تأثیرگذار است، به تنهایی راه حلی پایدار برای مسئله ایران فراهم نمی‌کند. اقدام نظامی می‌تواند واقعیت‌های میدانی را تغییر دهد، اما مسئله «مشروعیت» را حل نمی‌کند. این مسئله، در مورد ایران، ریشه در ساختار قانون اساسی دارد.

طی ۴۷ سال گذشته، مردم ایران هم‌پایداری خود را نشان داده‌اند و هم شفافیت مطالباتشان را. خواسته آنان همواره یکسان بوده است: نه مداخله خارجی و نه تحمیل رهبری، بلکه فرصت تعیین سرنوشت خویش از طریق تشکیل "مجلس مؤسسان"

در غیاب این مسیر قانون اساسی، هر دستاوردی که از طریق فشار — اعم از نظامی یا غیر آن — حاصل شود، ذاتاً موقتی خواهد بود. ثباتی که از بیرون تحمیل شود، بدون مشروعیتی که از درون نشأت گیرد، دوام نخواهد داشت.

از این‌رو، شرایط کنونی یک انتخاب راهبردی را پیش‌رو قرار می‌دهد: ادامه مدیریت چرخه‌های تنش، یا کمک به تغییر مسیر به سوی یک راه حل پایدار. با به رسمیت شناختن و بیان حمایت از یک مسیر قانون اساسی — به ویژه تشکیل "مجلس مؤسسان" — می‌توان تمرکز را از تقابل به فرآیندی مبتنی بر مشروعیت و تعیین سرنوشت منتقل کرد.

چنین تغییری نیازمند مداخله نظامی بیشتر نیست؛ بلکه سیاست ایالات متحده را با اصلی همسو می‌سازد که همواره بخشی از رویکرد جهانی آن بوده است: اینکه ثبات پایدار از رضایت مردم سرچشمه می‌گیرد.

مکاتبات روزانه ما در پی آن است که این تمایز را برجسته سازد: تمایز میان آنچه با فشار قابل تحقق است و آنچه تنها از طریق مشروعیت قانون اساسی قابل حل است — گذار از تقابل به فرآیند قانون اساسی، از ابهام به ساختار، و از نتایج تحمیلی به مشروعیتی برخاسته از اراده ملی.

در لحظات سرنوشت ساز، رهبری تنها با قدرت تعریف نمی‌شود، بلکه با توانایی تشخیص مسیر دستیابی به راه حل‌های پایدار شناخته می‌شود.

با احترام،

سهراب چمن آرا